\_ ٢١٠ ای گلهای گلشن محبت الله و ای سراجهای روشن انجمن معرفت الله علیکم نفحات الله و اشرق آفاق قلوبکم ببهآءالله شما امواج بحر عرفانید و افواج میدان ایقان نجوم فلک رحمتید و رجوم بر اهل ضلالت حدائق وجود را سحائب رحمتید و حقائق موجود را فیوضات احدیت در لوح منشور امکان آیات توحیدید و بر صرح مشید رایات رب مجید در گلزار الهی گل و ریحانید و در گلستان معنوی بلبلان نالان طیور اوج عرفانید و شاهباز ساعد حضرت رحمان پس چرا مخمود و خواموشید و افسرده و مدهوش چون برق بدرخشید و چون بحر بخروشید و چون شمع بر افروزید و چون نسائم الهی بوزید و چون نفحات مشک جان و فوائح ریاض رحمن مشام اهل عرفانرا معطر نمائید و چون انوار ساطعه از آفتاب حقیقی قلوب اهل عالم را منور کنید نسیم حیاتید و شمیم عرار حدیقه نجات مردگانرا جان بخشید و خفتگانرا هوشیار و بیدار کنید در ظلمت امکان شعله نورانی باشید و در بادیهء گمراهی چشمه حیات و هدایت ربانی وقت همت و خدمت است و زمان شعله و حرارت تا زمان از دست نرفته است این فرصت را غنیمت شمرید و این وسعت را اعظم نعمت عنقریب این چند روزه عمر فانی بسر آید و با دست تهی بحفره خواموشی در آئیم پس باید دل بجمال مبین بندیم و تمسک بحبل متین جوئیم و کمر خدمت بربندیم و آتشی از عشق برافروزیم و از حرارت محبت الله بسوزیم و زبان بگشائیم و آتش بقلب امکان زنیم و جنود ظلمت را بانوار هدایت معدوم کنیم و در میدان جانفشانی در سبیل الله جانفشانی کنیم و گنج آستین معرفت الله را بر سر اهل عالم بیفشانیم و با سیف قاطع لسان و سهام نافذ عرفان جنود نفس و هوا را شکست دهیم و بمشهد فدا بدویم و بقربانگاه حق بشتابیم و با طبل و علم آهنگ ملأ اعلی و ملکوت ابهی نمائیم فطوبی للعاملین \*